

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعیدی افغانی»

۲۶ اگست ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۲۰

ترجمه و تفسیر سورة القدر- ۲

سعی و تلاش برای دستیابی شب قدر:

در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است: «من قام ليلة القدر ايمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه» (کسی که شب قدر را با ایمان و احتساب اجر بر پای دارد گناهان پیشین او آمرزیده می شوند) سیرت نویسان می نویسند که شخصی پیامبر صلی الله علیه وسلم سعی و تلاشی را برای دستیابی شب قدر به خرج می داد، و اصحاب کرام را نیز در سعی تشویق و ترغیب می نمود.

از فهم احادیث منقوله بر می آید که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دستیابی شب قدر در دهه آخر شهر رمضان نه تنها خودش تلاش بیشتری در نماز خواندن و قرائت قرآن و دعا خواندن می کردند که در دیگر روزهای سال چنین تلاشی نداشتند، بلکه خانواده خویش را بیدار می نمود، به امید این که شب قدر را دریابند.

چنان که عایشه رضی الله عنها روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم: «كان إذا دخل العشر الأواخر أحيا الليل وأيقظ أهله وشد المنزر» (بخاری: ۲۰۲۴) یعنی: هنگامی که دهه آخر رمضان، فرا می رسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم کمرش را محکم می بست (از همسران، دوری می گزید) و شب خود را با عبادت، زنده نگه می داشت و خانواده اش را نیز بیدار می کرد.

در مسند از عباد به صورت مرفوع روایت شده است: «کسی که در جهت یافتن شب قدر، شب را بر پای دارد و موفق به درک آن شود گناهان پیشین و آینده وی آمرزیده خواهد شد».

و در مورد بعضی از گذشتگان از صحابه و تابعین وارد شده است که در دهه اخیر غسل می کردند و خوشبوئی استعمال می نمودند به امید این که با بهترین وجه بر شب قدر دستیابی نمایند.

بناءً بر مسلمانان روزه دار است تا پیروی از سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم و سیرت صحابه تلاش خویش برای حصول این شب مقدس به خصوص در دهه اخیر رمضان به خرج دهیم، یقیناً این شب در دهه آخر ماه مبارک رمضان و آنهم در شبهای طاق می باشد، و بیش تر امید می رود که شب بیست و هفتم باشد. به دلیل حدیثی که مسلم از ابی بن کعب روایت می کند که فرمودند: «به خدا قسم من می دانم که آن شب چه شبی است و همانا شبی است که پیامبر ما را امر نمود آنشب را بر پا داریم و آن شب، شب بیست و هفتم می باشد» و ابی بر آن سوگند یاد می کرد و می فرمود:

«با دلایل و نشانه‌هایی که پیامبر مان، ما را از آن مطلع ساخته است آفتاب در حالی در صبح آن روز طلوع می‌کند که هیچ شعاعی ندارد».

حضرت بی بی عائشه می‌فرماید: به حضور رسول الله صلی اله علیه وسلم عرض کردم: ای رسول الله! اگر شب قدر را دریاقتم چه بگویم؟

پیامبر فرمود بگو: «اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عني» «خداوند ا! تو بسیار عفو کننده و بسیار صاحب کرمی، عفو نمودن را می‌پسندی، پس خطاهای مرا عفو کن» (رواه احمد و ترمذی و صححه الألبانی)

ای خواجه چه جونی از شب قدر نشانی هر شب، شب قدر است اگر قدر بدانی

«سعدی شیرازی»

چرا شب قدر مشخص نشده است؟

علماء و مفسرین می‌نویسند که دسترسی به هر امر ارزشمند و ذیقیمت سعی و تلاش و به اصطلاح سرمایه گذاری خود را دارد و معروف است، هر چه چیزی که دارای ارزش و قیمت بیشتر باشد قیمت آن هم بیشتر می‌باشد. گفتیم ارزش عبادت در شب قدر بیشتر از هزار ماه است، چیزی واضح است که دیدن و حصول به این شب کار آسان و به این سادگی هم ممکن و میسر نیست، اگر قرار باشد که با این سادگی انسان به این شب دسترسی پیدا کند، نصیب همه انسانها می‌شود، دسترسی به این جد و جهد و عبادت و زحمات بسیار می‌خواهد.

طوری که مفسرین می‌نویسند که علت پنهان بودن این شب در شبهای ماه مبارک رمضان و عدم وضوح شب قدر برای گستردگی و افزایش عبادت بندگان و انس بیشتر آنان با پروردگار با عظمت است. از پروردگار با عظمت می‌خواهیم که حصول این شب را نصیب ما سازد.

تکرار شب قدر در هر سال:

قبل از همه باید گفت که: شب قدر اساساً در همان سال اول نزول قرآن بوده است ولی از فحوای آیت متبرکه «تنزل الملائکه و الروح» که با فعل مضارع است، تکرار و استمرار این شب مقدس را می‌رساند، این بدین معنی است که شب قدر منحصر به همان شب اول سال نزول قرآن نبوده، بلکه این شب مقدس در هر سال در ماه مبارک رمضان تکرار و «فرشتگان و روح» در آن نازل می‌گردد.

پس در هر سال قمری، در ماه رمضان مبارک، شب قدری است با این تفاوت که در آن شب دیگر قرآن نازل نمی‌شود بلکه تنها فرشته و روح فرود می‌آیند و رحمت الهی را بر بشر فرود می‌آورند ولی چگونگی آن بدرستی و روشنی معلوم نیست.

عبادت شب قدر بهتر از هزار ماه است!

بعضی از ایام سال هستند که در نزد الله ارزش، جایگاه والا و مقام خاص خود را دارند، که شاخص ترین آنها شب قدر است. شبی که به اندازه یک عمر ارزش دارد. شبی که قرآن عظیم الشان در توصیف آن می‌فرماید: «ليلة القدر خیر ألف شهر» (شب قدر از هزار ماه برتر است).

قرآن عظیم الشان در (سوره قدر) می فرماید «انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادراك ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر» (به تحقیق ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر ، شب قدر بهتر است از هزار ماه)

(خداوند پاک می فرماید: « شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ») (ماه رمضان ماه است که در آن قرآن فرود آورده شده است). (سوره بقره آیت ۱۸۵)

وباز هم در سوره قدر می خوانیم: « انا انزلناه فی لیلة القدر » (ما آن را در شب قدر نازل کردیم)

بناءً مطابق حکم مطلق قرآنی همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است.

حالا برای تعدادی از مسلمانان این سؤال پیدا می شود که امت های پیامبران قبلی عمر زیادی داشتند و شاید عبادت آنان نسبت به عبادت ما بیشتر بوده باشد ، مثلاً عمر پیروان نوح علیه السلام بیش از هزار سال بود، ولی عمر ما شاید از شصت و هفتاد سال تجاوز خواهد کرد، بناءً هر قدر که عبادت کنیم عبادت ما به اندازه آنان خواهد رسید.

ولی اینطور نیست ، الله جلاله بر اساس لطف و رحمت خویش بر امت مسلمان عبادت یک شب را به اندازه هزار ماه عبادت ارزانی فرموده است . و با زیبایی خاصی گفته است « لیلة القدر خیر من ألف شهر » شب قدر بهتر از عبادت ۱۰۰۰ ماه می باشد.

هرگاه ۱۰۰۰ را تقسیم ۱۲ ماه کنیم مساوی میشود به ۸۳ سال و هرگاه شخصی در شصت سال عمر خود شبهای قدر را عبادت نماید ، و ۶۰ را ضرب ۸۳ کنیم ، مساوی میشود به ۴۹۸۰ این است فضیلت و عبادت در شب قدر.

فضیلت و برتری شب قدر:

گفتیم شب قدر بر همه شبهای سال فضیلت و برتری خاصی خود را دارد ، یکی از برتری های این شب نزول قرآن عظیم الشان در این شب است.

« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵) » ویکبار دیگر در (آیت ۳ سوره دخان) می فرماید: « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ » (ما قرآن را در شبی مبارک و گرامی نازل کردیم) پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «من قام لیلة القدر ایماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه». (رواه الجماعة إلا ابن ماجه .)

«کسی که در شب قدر بر اساس ایمان به خدا و امید اجر و پاداش از وی به نماز بایستد (و به عبادت مشغول شود) گناهان گذشته او بخشیده می شود».

بزرگترین فضیلت این شب همین است که عبادت این یک شب، از عبادت هزار ماه، یعنی هشتاد و سه سال، بهتر است. باز برای بهتر بودن آن، حدی مقرر نیست، که چقدر بهتر است، آیا دو برابر، چهار برابر، ده برابر، صد برابر و غیره همه در این امکان دارند.

در صحیحین از حضرت ابوهریره رضی الله عنه منقول است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کسی که در شب قدر برای عبادت برخاست، همه گناههای گذشته او عفو می گردد. از حضرت ابن عباس روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: تمام فرشتگان که در سدره المنتهی اسکان یافته اند، در شب قدر همراه با جبرئیل به دنیا فرود می آیند، و هیچ مرد و زن مؤمن نیست که آنها را سلام نکنند، غیر از کسی که او شراب بنوشد یا گوشت خوک بخورد.

در حدیثی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کسی که از خیر و برکت شب قدر محروم بماند، او کاملاً محروم و بدشانس است. اما نه این برای همه حاصل می‌گردد و نه در تحصیل ثواب و برکات شب قدر دخلی خواهند داشت، لذا نباید به فکر آنها بود.

خواننده محترم!

مطابق نصوص شرعی و جمع بندی آیات قرآن کریم چنین استفاده می‌شود که «شب قدر» یکی از شبهای ماه مبارک رمضان است بناءً دساتیر شرعی به زنده داری این ده روز آخر سفارش نموده است. زیرا از یک سو، قرآن می‌فرماید: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن» قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است. و از سوی دیگر، آیت نخست سوره مبارکه قدر «انا انزلناه فی لیلة القدر» بیانگر آنست که قرآن، در شب قدر نازل شده است. بنابراین از جمع این دو آیت شریفه، به روشنی دانسته می‌شود که شب قدر در ماه مبارک رمضان واقع شده است. اما این که کدام شب از شب های ماه مبارک رمضان است، به روشنی معلوم نیست. روایاتی که در این زمینه وجود دارند شب قدر را مردد بین این شبها دانسته اند: شب اول، شب هفدهم، شب نوزدهم، شب بیست و یکم، شب بیست و سوم، شب بیست و هفتم و شب بیست و نهم. بعضی از روایات بر این مطلب تأکید دارند که شب قدر در دهه آخر ماه مبارک رمضان و یکی از شبهای بیست و یکم یا بیست و سوم است.

بعضی از روایات تصریح نموده اند که شب قدر شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است. از جمله در حدیثی که از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت شده آمده است:

«کان إذا دخل العشر الأواخر أحياناً الليل وأيقظ أهله وشد المنزر» (بخاری: ۲۰۲۴).

«هنگامی که ده روز آخر ماه رمضان فرا می‌رسید رسول الله ص شب بیدار می‌ماند و خانواده اش را بیدار می‌کرد و سخت به عبادت مشغول می‌شد».

همچنان در مسند امام احمد و صحیح مسلم آمده: «کان یجتهد فی العشر الأواخر مالا یجتهد فی غیرها». یعنی: در دهه آخر ماه رمضان تلاش بیشتری را (در عبادت) می‌کردند که در دیگر روزهای سال چنین تلاشی نداشتند. از حضرت عایشه روایت شده است که می‌فرماید: به رسول الله ص گفتم: اگر دانستم کدام شب قدر است چه بگویم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: بگو: «اللهم انک عفو تحب العفو فاعف عنی» «پروردگارا! بی شک تو بسیار آمرزنده ای و آمرزش را دوست می‌داری پس مرا بیامرز».

علامات و نشانه های بارزه این شب:

در مورد این که شب قدر دارای چه علائمی، خصایص و نشانی‌ها می‌باشد، علماء نظریات متعددی را با استناد به احادیث نبوی ارائه داشته اند که به برخی از این علائم ذیلاً اشاره می‌نمایم:

مفسرین می‌نویسند: یکی از جمله علامات بارزه شب قدر این است که آن شب شبی نسبتاً آرام است و شخص مؤمن دلش در این شب آرام می‌گیرد و رغبتش برای انجام کار خیر بیشتر می‌گردد.

می‌گویند: «آفتاب در صبحگاه شب قدر، ضعیف و سرخ رنگ ظاهر می‌شود».

طوری که در حدیثی روایت شده از حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه آمده است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره شب قدر فرمودند: «من شب قدر را دیدم اما آن را فراموشم ساختند. شب قدر در شبهای دهه اخیر رمضان است».

و شبی است معتدل، نه گرم و نه سرد، روشن و سپید، گوئی که در آن ماهی تمام می‌تابد. آن شب شیطان بیرون نمی‌آید تا آن‌که صبحش روشن گردد».

روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از خانه بیرون شدند تا به مردم از شب قدر خبر دهند؛ در این اثنا دو مرد را که باهم در کشمکش بودند در برابر خود یافتند پس آن خیر را فراموش کردند.

حکمت در پنهان داشتن شب قدر مانند حکمت در پنهان داشتن وقت وفات و روز قیامت است تا مکلف به طاعات رغبت کرده و بر سخت‌کوشی و جد و جهد خود در این راه بیفزاید، غفلت و سستی نکند و بر شب مخصوصی تکیه ننماید. ولی به هر حال برای مسلمانان بهتر این است که هر شب ماه مبارک را به احتمال این که شب قدر باشد، به عبادت و قرائت قرآن و دعا بگذرانند و دعای خویش را منحصر به سه و یا چهار شب و یا هم شب‌های طاق نسانند.

دعا های قرآنی در شب قدر:

از افضلترین دعاهائی که در شب قدر خوانده می‌شود، دعائی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به بی بی عایشه رضی الله عنها یاد دادند، چنان که ترمذی از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت کرده و حدیث را هم صحیح دانسته، که او گفت: گفتم: ای رسول خدا! اگر شب قدر را دانستم در آن چه (دعائی) بگویم؟ فرمود: «قُولِي: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي». «بگو: خداوندا! تو بخشنده ای، عفو و بخشش را دوست داری؛ پس مرا مورد عفو و بخشش قرار بده».

در شب‌های قدر، می‌توان هر دعائی را کرد. اما بهتر است دعاهائی را که در قرآن کریم ذکر شدند تلاوت نمود همچون:

«رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لِطَآئِفَةٍ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»
و یا «رَبَّنَا لَا تَزِرْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»
و یا «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»
و یا «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فِرَّةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»
و یا «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»
و یا «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»
و یا «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ».

و یا دعاهائی که در احادیث پیامبر اکرم ذکر شده اند همچون: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَاعْوِذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ»

و یا «اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَاجْزِنَا مِنْ حِزْبِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ» و یا «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالعِفَافَ وَالعَنَى»

و یا «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْعِلْمِ وَزَيِّنِي بِالْحِلْمِ وَ اكْرِمْنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالعَافِيَةِ»
و یا «اللَّهُمَّ مَقْلَبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» و یا «اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ وَ الْأَهْوَاءِ»
و یا «اللَّهُمَّ اجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ وَ اجْعَلْ خَشْيَتَكَ أَخْوَفَ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي وَ اقْطَعْ عَنِّي حَاجَاتِ الدُّنْيَا بِالشَّوْقِ إِلَى لِقَائِكَ وَ إِذَا أَفْرَرْتُ أَعْيُنَ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ دُنْيَاهُمْ فَاقْفِرْ عَيْنِي مِنْ عِبَادَتِكَ».

ملائکه در شب قدر برای چه و بر چه کسانی فرود می آیند:

از خصوصیات بارز دیگر این شب نزول ملائک و فرشتگان است. بر اساس آیت شریفه «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگار شان برای تقدیر هر کار نازل می شوند). در مورد این که منظور از روح کیست؟ بعضی گفته اند: «جبرئیل امین» است که «روح الامین» نیز نامیده می شود. بعضی «روح» را به معنی «وحی» تفسیر کرده اند. به فحواى آیت ۵۲ سوره شوری «و کذلک اوحینا الیک روحا من امرنا» «همان گونه که بر پیامبران پیش وحی فرستادیم، بر تو نیز «وحی» را به فرمان خود وحی کردیم». برخی از مفسرین روح را مخلوق عظیمی مافوق فرشتگان می شمارند.

قابل تذکر است که فرشتگان بر شخص خاصی فرود نمی آیند، بلکه در شب قدر ملائکه به زمین فرود می آیند تا سلام و دعای رحمت و مغفرت بر کسانی که این شب را احیاء می کنند بفرستند و بر دعای دعا گوینان آمین می فرستند. نزول فرشتگان نزول رحمت و برکت الهی است، پروردگار با عظمت ما می فرماید:

«تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ». «در آن فرشتگان با روح به اذن پروردگارشان فرود می آیند» از آسمانها به سوی زمین «برای هر امری» یعنی: فرود می آیند برای پرداختن و نظم و نسق هر امری که خداوند آن را تا سال آینده مقدر و به آن حکم کرده است.

طوری که یاد آور شدیم روح: جبرئیل علیه السلام است و هر چند کلمه «فرشتگان» شامل او نیز می شود ولی از او به سبب فزونی شرفش مخصوصاً نیز یادآوری شد پس این از باب عطف خاص بر عام است. از فواید فرود آمدن فرشتگان این است که ایشان در زمین انواع طاعتی را می بینند که در میان اهالی آسمانها ندیده بودند همچنین آنها در زمین فریاد ناله و زاری گنهکارانی را می شنوند که ناله و زاری آنها نزد خداوند دوست داشته تر از زمزمه تسبیح مسبحان است پس در این حال به یکدیگر می گویند: بیایید صدائی را بشنویم که نزد پروردگار ما دوست داشته تر از تسبیح ما می باشد».

اعمالی که در شب قدر باید انجام یابد:

اکثریت مطلق مفسرین، محدثین و علماء بر این امر معتقد اند که: سنت است که روزه داران بر امر اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان به منظور برخورداری از خیر و پاداش و دریافتن شب قدر تلاش ورزند. و مستحب است که شخص معتکف به عباداتی مانند نماز، تلاوت قرآن و سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر گفتن و طلب مغفرت، صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وسلم، دعا کردن، بحث و مباحثه علمی و مانند اینها مشغول سازد. و مکروه است که اعتکاف کننده خودش را با سخنان و اعمال بیپهوده سرگرم کند همانطور که ساکت ماندنش به گمان این که سکوت، او را به خدا نزدیک می کند مکروه است».

نزول همه کتب آسمانی در رمضان:

در حدیثی که حضرت ابوذر غفاری روایت نموده است، می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: صحیفه های حضرت ابراهیم به تاریخ سوم رمضان، تورات در تاریخ ششم، انجیل در تاریخ سیزدهم و زبور در تاریخ هجدهم

رمضان نازل گردیده است، و قرآن کریم به تاریخ بیست و چهارم رمضان بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده است.

نزول فرشتگان برای اشخاص معین است:

نزول فرشتگان در شب قدر برای شخص معین و خاصی صورت نمی گیرد، بلکه در شب قدر ملائکه به زمین فرود می آیند تا سلام و دعای رحمت و مغفرت بر کسانی که این شب را احیاء می کنند بفرستند، و بر دعای دعا گویان آمین می فرستند.

نزول فرشتگان نزول رحمت و برکت الهی است، همانطوریکه فرشتگان در موقع تلاوت قرآن و حلقه های علم نازل می شوند و بالهایشان را برای طالب علم می گسترانند. «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ». «در آن فرشتگان با روح به اذن پروردگارشان فرود می آیند» از آسمانها به سوی زمین «برای هر امری» یعنی: فرود می آیند برای پرداختن نظم و نسق هر امری که خداوند آن را تا سال آینده مقدر و به آن حکم کرده است.

کدام انسان ها از فرشته ها برتر هستند؟

البته در این شکی نیست که پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم افضل مخلوقات و باشرفترین آنهاست و فضیلت او از تمامی انسانها و فرشتگان و اجنه بالاتر است، و شک و تردیدی در این امر مسلم وجود ندارد. اما در مورد غیر پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و ملائکه نظراتی وجود دارد:

نظریه اول:

نظریه اول اینست که انسانها از ملائکه افضلتر هستند.

علمائی که بر افضل بودن انسان نسبت به ملائکه حکم می کنند، استدلال می آورند که خداوند متعال به ملائکه امر نمود که بر آدم سجده ببرند و لذا گفته اند که این دلیل بر تفضیل انسان بر ملائکه است؛ آنجا که فرمود: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا» (سوره بقره ۳۴). یعنی: و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند.

نظریه دوم:

نظریه دوم اینست که: ملائکه نسبت به انسانها افضلتر هستند. این تعداد از علماء استدلال به حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم می نمایند که فرموده است:

«يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ، ..» (بخاری: ۷۴۰۵) یعنی: «خداوند متعال می فرماید: من با بنده ام بر اساس گمانی که به من دارد، رفتار می نمایم و هنگامی که مرا یاد می کند، من با او هستم. پس اگر در تنهایی مرا یاد کند، من هم او را در تنهایی، یاد خواهم کرد. و اگر مرا در میان جمع، یاد کند، من او را در میان جمع بهتری (یعنی ملائکه)، یاد خواهم کرد..».

و منظور از یاد کردن ذاکران در میان جمع بهتری، یعنی جمع ملائکه! و این را می رساند که ملائکه از انسانها برترند.

نظریه سوم :

نظریه سوم اینست که: ملائکه به اعتبار این که زودتر از انسانها خلق شده و از نور خلق شده اند و اهل استکبار و سرپیچی نیستند و در آنچه خدا بدانها امر می کند سرپیچی نمی کنند و آنچه که بدانها امر شود انجام می دهند و اهل شهوت نیستند و بندگانی مکرم نزد الله تعالی می باشند، لذا از این جهت آنها افضلتر هستند.

ولی انسانها به اعتبار آن که محل رضای خدا قرار می گیرند و مورد کرامت پروردگار هستند و ملائکه در بهشت آنها را مسرور می کنند، و بر آنها سلام می دهند، از این جهت انسانها از ملائکه افضلتر هستند. (و این نظر شیخ الاسلام ابن تیمیه است).

نظریه چهارم :

نظریه چهارم نظریه سکوت! است یعنی هیچ یک را بر دیگری نه تفضیل می دهند و نه عکس آن، (و این قول شیخ ابن عثیمین است).

زیرا پرداختن به این مسأله (یعنی بیان افضلتر بودن ملائکه یا انسانها) نه مفید است و نه نیازی بدان می رود، و نفعی برای شخص مسلمان ندارد، پس بهتر است از پرداختن به این موضوعات خودداری نمود، زیرا صحابه رسول خدا صلی الله علیه وسلم که از هر کسی نسبت به علم و ایمان حریصتر بودند هرگز وارد این مباحث نشده و از خود و یک دیگر نپرسیده اند که آیا ملائکه افضلتر است یا انسانها؟! و چیزی که صحابه در مورد آن سکوت کرده اند، بهتر است ما نیز سکوت کنیم چرا که یک قاعده شرعی وجود دارد که باید بدان توجه کرد و آن اینست که: «در هر چیزی از مسائل دین که صحابه در آن مورد سکوت کرده اند، بدان که پرداختن به آن چیز جزو فضولی محسوب شده و نیازی به آن نیست». زیرا آنچه که برای ما لازم است باید از طریق کلام الله و سنت نبوی و یا صحابه اخذ شوند و هرگاه در یک مسأله دینی آن را در یکی از این سه طریق نیافتیم، پس باید دانست که آن چیز جزو دین نیست و لذا پرداختن به آن بی مورد است. (نگاه کنید به: شرح العقیده السفارینیة؛ علامه ابن عثیمین، صفحه ۶۰۵).

و به نظر می رسد که حکم بر تفضیل انسان و ملائکه امری غیر ضروری است، یعنی دانستن به این مسأله نیازی نیست و بهتر است از پرداختن به آن خودداری کنیم و بگوئیم: خدا آگاهتر است والسلام!

آیا واقعاً شیطان معلم ملائکه بود:

در مورد این که آیا واقعاً ابلیس معلم ملائکه و فرشتگان بوده باشد، هیچ دلیلی از کتاب و سنت صحیح مبنی بر این امر در شرع وجود ندارد، از اینرو نمی توان بدون دلیل این ادعا را مطرح کرد و هرکس چنین می گوید یا باید دلیلی از کتاب و سنت بیاورد و یا آن که بدون علم سخن نگوید چرا که خداوند متعال می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً» (سوره اسراء ۳۶) یعنی: «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال نکن» به این ترتیب، خدای متعال نهی می کند از این که انسان چیزی بگوید یا به چیزی عمل کند که به آن علم ندارد.

همچنین این معنی، شامل گواهی دروغ، سخن دروغ، افتراء و طعن زدن به دیگران، جستجوی عیوب مردم، دگرگون کردن حقایق علمی، جعل اخبار و غیر این از دغلبازیها، تقلبها و اعمال مبتنی بر حدس و تخمین و گمان نیز می شود. «زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد» یعنی: از صاحب آنها پرسیده می شود که این حواس خود را در چه راهی به کار گرفته است زیرا حواس انسان آلات و ابزاری اند که اگر او آنها را در خیر به کار

گیرد، سزاوار دریافت پاداش است و اگر آنها را در شر به‌کار گیرد، سزاوار عقاب می‌باشد. به‌قولی: خداوند عزوجل این اعضاء را در هنگام پرسش از آنها به نطق می‌آورد و آنها از آنچه که صاحبشان انجام داده است خبر می‌دهند. چنان‌که آیات و احادیث گواه این حقیقت است.

آنچه که بعضی از علماء فرموده اند اینست که ابلیس جزو مقربان درگاه الهی بوده است، یعنی هر چند که او خود ملائکه نبود و از جنس جن بود ولی در میان ملائک مقرب قرار داشت.

الله تعالی در قرآن چنین می‌فرماید: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ * فَاذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ * فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ * قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي * أَسْتَكْبَرْتَ * أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ * قَالَ فَأَخْرَجْ مِنْهَا فَايَّكَ رَجِيمٌ» (سوره ص ۷۱-۷۷) یعنی: و به خاطر بی‌باور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می‌آفرینم! هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!»

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود! گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از این که فرمان سجود به تو داده شود!)» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!» فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی!

بنابراین بر اساس قولی، ابلیس از میان ملائک مقرب رانده شد و بعدها نیز از بهشت خارج گردید. چنان که علامه سعدی در تفسیر خود نوشته: «قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا» خداوند به ابلیس گفت: از آسمان و جایگاه ارزشمند بیرون برو، «فَايَّكَ رَجِيمٌ» چرا که تو مطرود و رانده شده از رحمت الهی هستی.

و می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ» (سوره کهف، ۵) یعنی: به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که از جن بود.

و از این آیت می‌توان به این مطلب پی برد که ابلیس در میان ملائک بوده است ولی هیچ یک از نصوص قرآنی به این امر اشاره نکرده اند که ابلیس معلم ملائک بوده باشد. بنابراین ما نیز این ادعای باطل را مردود می‌دانیم و به همه مسلمانان تابع کتاب و سنت می‌گوئیم که از باورها و اعتقادات بدون دلیل دوری و حذر نمایند.

تفاوت بین ملائکه و جن :

در بین ملائکه و جن تفاوت‌های مختلف و متعددی است از جمله :

- ۱- در اصل خلقتشان که جنیات از آتش سوزان و فرشتگان از نور آفریده شدند.
 - ۲- فرشتگان بنده گانی مطیع، فرمانبردار، مقرب و مورد احترام خداوند می‌باشند، چنانچه خداوند می‌فرماید: «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يُسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» (الانبیاء: ۲۶ - ۲۷). «فرشتگان بندگان محترمی هستند، آنها در سخن گفتن بر خدا پیشی نمی‌گیرند، و تنها به فرمان او کار می‌کنند».
- و نیز می‌فرماید: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (سوره التحریم: ۶). «از خدا در آنچه به آنها دستور دهد نافرمانی نمی‌کنند و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده اند».

اما جنیات، بعضی از آنها مؤمن و بعضی کافر می‌باشند، چنانچه خداوند تبارک و تعالی از آنها در قرآن خبر داده، می‌فرماید: «وَأَنَا مِّنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِمُونَ» (سوره الجن: ۱۴). «در بین ما، فرمانبرداران و منحرفان و بیدادگرانند».

بعضی از آنها مطیع و فرمانبردار و بعضی نیز گنهکار هستند، و خداوند در این باره می‌فرماید: «وَأَنَا مِّنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا ذُوْنَ ذَلِكِ» (سوره الجن: ۱۱).

«و بعضی از ما تسلیم فرمان خدا و پرهیزگارانند و بعضی از ما جز این، (یعنی نافرمان و بی‌دین)». و بسیاری دیگر از آیات قرآن که در این باره وارد شده است.

اسمای فرشته که مسؤل حمل عرش الهی اند:

ملائکه هائی هستند که حامل عرش می‌باشند: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (سوره غافر ۷) «کسانی که عرش با عظمت الهی را حمل می‌کنند، و آنهایی که پیرامون عرش به تسبیح و ستایش پروردگارشان مشغولند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان از خدا آمرزش و مغفرت می‌طلبند» و می‌فرماید: «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (سوره حاقه ۱۷) «عرش پروردگارت را در آن روز (یعنی قیامت) هشت ملائکه حمل می‌کنند». تعدادی از علماء می‌گویند: کسانی که اطراف عرش هستند ملائکه‌های مقرب هستند و ایشان با آن که حامل عرش هستند اشرفترین ملائکه می‌باشند. (تفسیر ابن کثیر (۷/ ۱۲۰)).

اما اسم آن ملائک در کتاب و سنت وارد نشده است و بیشتر به نام ملائکه «حمل‌کنندگان عرش» مشهورند و لذا ما نیز به همین اصطلاح اکتفاء می‌کنیم؛ به صورت کل گفته می‌توانیم که ملائکه جزو موجودات غیبی هستند که الله عزوجل آن‌ها را خلق کرده و خداوند آن‌ها را فرمانبردار و خاضع قرار داده است و هر یک از آن‌ها وظایفی دارند که خداوند آن‌ها را مخصوص انجام آن وظایف کرده است.

اما نام برخی از ملائکه در کتاب و سنت آمده اند که از جمله:

جبریل: مسؤل وحی، اسرافیل، مسؤل نفخ صور و یکی از حمل‌کنندگان عرش، میکائیل مسؤل باران و نباتات، مالک، هاروت و ماروت، رضوان، منکر و نکیر، و کسانی دیگر که در اسامی آنها در نصوص بیان شده است. و همچنین آنچه نصوص از آن با وصف خبر داده است: مانند رقیب و عتید (مراقب و نگهبان)، یا به وسیله وظیفه آنها مانند ملک الموت (ملائکه مرگ) و ملک الجبال (ملائکه کوهها) یا آنچه را که نصوص به ذکر وظایفشان به صورت مجمل می‌پردازد مانند: حملة العرش (حمل‌کنندگان عرش) و الکرام الکاتبین (نویسندگان بزرگوار) و المولکین بحفظ الخلق (مسؤل حفظ خلق)، المولکین بحفظ الاجنة و الارحام (مسؤل حفظ نطفه در داخل رحم)، طواف البیت المعمور (ملائکه مسؤل طواف بیت المعمور)، ملائکه السیاحین (ملائکه هائی که در زمین می‌گردند) و ملائکه‌های دیگری که الله و رسولش صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده اند و واجب است که به صورت مفصل به تمام آنهایی که ذکرشان با نام و صفت و وظایف در اخبار آمده ایمان داشته باشیم و تصدیق کنیم.

آیا ملائکه جسم هستند؟

به اساس این فرموده پروردگار با عظمت گفته می‌توانیم که بلی که ملائکه جسم هستند «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ» «ملائکه را پیام رسان فرستادگان به سوی انبیاء گردانیده است ملائکه هائی که دارای بالهای دوگانه هستند» و

پیامبر صلی الله علیه وسلم جبریل را بر صورت اصلی خود که بر آن خلق شده و دارای ششصد بال می باشد دیده است. همان گونه که صفت و خبر آن در حدیثی بخاری شریف آمده است.

هر انسان دارای دو فرشته است:

بر هر يك از انسانها دو فرشته مأموریت دارد، یکی بر سمت راست حسنات و نیکی های او را می نویسد، و دیگری در سمت چپ او بدیها را می نویسد، چنانکه پروردگار با عظمت ما می فرماید: «إذ يتلقى المتلقيان عن اليمين وعن الشمال قعيد ما يلفظ من قول إلا لديه رقيب عتيد.» (سوره ق ۱۷ - ۱۸). (دو فرشته گفتار و کردار شخص را دریافت می دارند و آن را ثبت می کنند، یکی از دست راست و دیگری از دست چپ نشسته و همنشین او هستند، هر کلمه که بر زبان براند (از خیر و شر) آن را می نویسند و مراقب و حاضر حال او اند). این فرشتگان در سفر و در اقامت با انسان هستند، و در تمامی احوال، در نماز در سجود با او هستند و او را ترك نمی کنند مگر در بعضی از حالات خاصی مانند قضای حاجت، و آنان گفتار و کردار او را می نویسند.

فرشتگان نیت و قصد انسانها را می نویسند:

در حدیث صحیح وارد شده، است که فرشتگان حتی نیت و قصد، انسان و آنچه در قلب بنی آدم بگذرد، و یا آنچه، او در قلب می گوید، و آنچه نیت می کند که آن را انجام دهد فرشته آن را می نویسد. به همین خاطر انسان اگر نیت نیک نماید ثوابش به او می رسد، و بر نیت بد نیز مجازات می شود، زیرا نیت عمل قلبی است.

فرشتگان مأمورند بر انسان از وقتی که به سن بلوغ برسد تا این که از دنیا برود و آنان آنچه در دنیا از نیت و کردار و گفتار انجام داده می نویسند.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم

فهرست :

ترجمه

معلومات مؤجز

فضیلت سوره قدر

فضیلت شب قدر

پیام های این سوره

تفسیر سوره قدر

شان نزول

شب قدر و نزول قرآن

الف: نزول قرآن

معنای قدر

تعیین شب قدر

سعی و تلاش برای دستیابی شب قدر

چرا شب قدر مشخص نشده است؟
 تکرار شب قدر در هر سال
 عبادت شب قدر بهتر از هزار ماه است
 فضیلت و برتری شب قدر
 علامات و نشانه های بارزه این شب
 دعا های قرآنی در شب قدر
 ملائکه در شب قدر برای چه و بر چه کسانی فرودمی آید
 اعمالی که در شب قدر باید انجام یابد
 نزول همه کتب آسمانی در رمضان
 نزول فرشتگان برای اشخاص معین است
 کدام انسان ها از فرشته ها برتر هستند؟
 آیا واقعاً شیطان معلم ملائکه بود
 تفاوت بین ملائکه و جن
 اسمای فرشته که مسؤول حمل عرش الهی اند
 آیا ملائکه جسم هستند؟
 هر انسان دارای دو فرشته است
 فرشتگان نیت و قصد انسانها را می نویسند

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۲۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)

- صحيح مسلم
- صحيح البخارى